

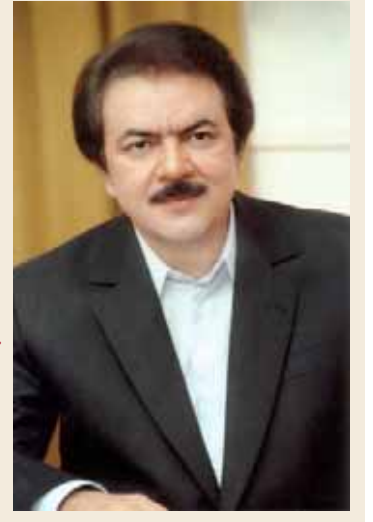
هم‌چنان که رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت هنگام تحویل سال گفت: «سال ۸۶، برای مقاومت، سال اعتلا و سرفرازی و برای رژیم آخوندی، سال ریزش و سراسیمه بود» و رژیم «از ۶ جهت در برابر تغییرات جدی و تحولات کیفی قرار گرفت»



تحولات همه‌جانبه‌سالی که گذشت نوبدبخش دستاوردهای بیشتر در سال تعیین‌کننده‌ی است که پیش رو داریم. فرزندان رشید ایران در هر کجا که هستند باید با هوشیاری و مسئولیت‌پذیری و کار و تلاش مضاعف بهای آن را بپردازند. زمان برآخستن است. این خود ما هستیم که آینده را تعیین و ترسیم می‌کنیم. صدای درهم‌شکستن زنجیرهای استبداد مذهبی به گوش می‌رسد

2US\$ 1.5Pounds 3SFR 3C\$ 2€

به نام نوروزی و سعادت ملت ایران سال تعیین‌کننده در نبرد با رژیم آخوندی پیام به جوانان و نیروهای انقلاب دموکراتیک مردم ایران مسعود رجوی - فروردین ۱۳۸۷



گزارش شاهدان عینی از وضعیت ۲۵هزار صندوق رأی‌گیری در شهرها و مناطق مختلف کشور که توسط ستاد اجتماعی مجاهدین انقلاب و جمعیت‌ی شده حاکی از درنوردیدن همه مزارع خضعه و نطق توسط رژیم از یکسو و بالاترین تحریم اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر است.

خرید آرای قشرهای نهدست همراه با توزیع سیم کارت و حواله بزرگ یا ناهار مجانی و مواد غذایی و خرید و فروش آشکار رأی از طریق نگاهبانی تأمین رأی با تمهیدات سراسر موزری ناهمه نوا دارد و به یک صنعت کلیدی در انتخابات آخوندی تبدیل شده بود. هم چنین توصیفات سران و سرکردگان عراضی شده نظام تحت عنوان «چیدمان کرسیهای مجلس» و «مهندسی انتخابات» ما را از شرخ و بسط بی‌نیاز می‌کند. گوش کنید:

- پاسدار قالیباف شهردار کنونی تهران و سرکرده پیشین نیروی انتظامی و نیروی هوایی جمهوری اسلامی می‌گفت: حاکم از سیاست به هم می‌خورد (عصر ایران ۱۲۷ اسفند۸۶).

- خاتمی آن چه را که در حیاتیات اجرایی اتفاق افتاده «ناجعه» خواند و «کارگزاران» رفسنجانی گفتند با دست و پای شکره در انتخابات شرکت می‌کنیم.

- موسوی لاری، وزیر کشور خاتمی، گفت: انتخابات «مهندسی شده است و رد صلاحیت بی‌نیای و کتاب صورت نگرفته است و روشن است که اکثریت مطلق مجلس در اختیار جناح رقیب خواهد بود» (سایت نوروز ۴ بهمن ۸۶).

- ناجیه‌ها، معاون وزیر کشور خاتمی، گفت: «در این انتخابات ما با پدیده بازگشت روح سعید امامی و نسیم روشهای او مواجه شده‌ایم. آقای جنتی و همکارانش سطح رسیدگی به صلاحیت داوطلبان را آنقدر نازل داده‌اند که کار شورای نگهبان گرفتن نوبه‌نامه برای تأیید صلاحیت شده است. یعنی همان شیوه‌هایی که بازجوها در این به کار می‌بردند تا با نعت فشار قرار دادن افراد، افرادی خودخواسته از آنان بگیرند. آقای نوبلی با اختصار اعلام می‌کند که ما صلاحیت حزب رقیب را شنود و منتشر می‌کنیم. آقای باهنر زنده‌مانند اصلاح‌طلبان را ناشی از رأفت اسولگرایی می‌خواند. آقای حسین شریعت‌مداری ضرورت تشکیل دادگاههای جدید و مجازات سنگین اصلاح‌طلبان را به قاضی مرتضوی یادآوری می‌کند» (خبرگزاری آنا ۶ اسفند۸۶).

- جلالی‌پور از کارگزاران دوم خردادی گفت که حتی «منی‌گذارند اصلاح‌طلبان نیز کنار بروند، بلکه اصلاح‌طلبان باید در انتخابات نیز شرکت کنند تا مردم آری بدهند و اصلاح‌طلبان ببینند که صندوق بیرون نمی‌آیند» (سایت روز ۱۲ اسفند۸۶).

- راستی که قلد و تئوری‌سور خودگردی برای ریزشها و تصفیه‌شدگان نظام بیشتر از این معصور نبود. شعار انتخاباتی باند غالب رژیم موسوم به: «جبهه متحد اسولگراران» این بود: «بروا ممکن شتاب هست چارمساز است!» حرکت بی‌بده و ترزه را به انتخابات تعمیم داده بودند.

ولی‌فقیه و پاسداران و دژخمشان از این پیشرو وزارت و کثرت و اولی‌فقیه و فرمانداران و حتی بخشداران از چنان که باید به قول رقیبا «چیدمان» کرده بودند. روح خبیث سعید امامی و درخشان همدست او در اطلاعات و نیز همه جا را پر کرده بود. برای مثال رژیم پورمحمدی و رژیم کشور، همان معاون سابق وزارت اطلاعات است که در سال ۷۷ میلادی با مصلح اصلی در کمیته مردمی، بود که ۳۷۰۰ زندانی مجاهد و معارض قرار در مدت کوتاهی اعدام کردند. پاسدار علیزاده افشار، معاون سیاسی پورمحمدی در وزارت کشور، همان سرکرده پیشین چنانکاران سپیچی است.

در قدم اول همه چیز عیون مخمور و رودیابستی و در نظر گرفتن آماری که در سرشماری آبان ۱۳۸۵ خورشان اعلام کرده بودند، بیش از ۹ میلیون از آمار دارندگان حق رأی کم کرده.

در قدم بعد رژیم پورمحمدی و رژیم کشور ۳۵ میلیون نفر از ۴۷ میلیون دارندگان حق رأی یعنی بیش از ۵۰ درصد در انتخابات شرکت خواهند کرد. (پورمحمدی ۱۱ بهمن ۸۶).

سال ۱۳۸۷ تأکید می‌کند. اسامال «سال تثبیت طرح امنیت اجتماعی» است (خبرگزاری رسمی رژیم ۳۰ فروردین ۸۷).

در این اثنا، بودجه امنیتی رژیم ۲۰ برابر افزایش یافته است. یکی از معاونان وزارت کشور در مرداد گذشته در این باره گفت: «رقم این اعتبارات، پارسال ۷ هزار میلیارد ریال بود که اکنون به ۱۴۰ هزار میلیارد ریال رسیده است» (محمد شاعری، خبرگزاری حکومتی مهر ۲۵ مرداد ۸۶).

این است اعتراف آخوندها و پاسداران به منتهای آمادگی شرایط اجتماعی برای خیز برداشتن انقلاب دموکراتیک مردم ایران. آن سبیل که دوش تا کمر بود امشب بگذشت خواهد از دوش بهتر است بخوابیم: آن سبیل که پار تا کمر بود امسال بگذشت خواهد از دوش

وزیر رفاه و تأمین اجتماعی رژیم در ۲۲ مرداد گفت در ایران ۹۱۲ میلیون نفر زیر خط فقر و ۲ میلیون نفر هم در زیر خط فقر مطلق (یعنی با درآمد روزانه کمتر از یک دلار) بسر می‌برند. قسمت یک لیر بزرگ بیش از ۱۰۰ برابر افزایش یافته و قیمت مسکن به‌خاطر کمبود آهن و فولاد و سیاهان،

قسمت دوم انتخابات و مرحله کنونی

انتحلال و اضمحلال رژیم ولایت‌فقیه به معنی مرحله فرسایش و تجزیه و ریزش، که ویژگی دوران سرنگونی ریزش، که ویژگی دوران سرنگونی این رژیم ضدتاریخی است، در انتخابات مجلس ارتجاع بارز شد. یکپارگی و انقباض ولایت فراگیر شد و هیکل و قوای سه گانه رژیم را در بر گرفت. به راستی که این انتخابات از بابت تحریم سراسری و از بابت تصفیه و جراحی سیاسی یک نقطه عطف محسوب می‌شود.

ولی‌فقیه ارتجاع آن چه را در انتخابات مجلس در پایان سال ۸۲ پس از سقوط عراق و جمع‌آوری سلاحهای مجاهدین کاشته و در گماشتن پاسدار احمدی‌نژاد به ریاست‌جمهوری در سال ۸۴ به بار نشانده بود، اکنون در این انتخابات درو کرد و به بلوغ رساند. چنین تعادلی در درون رژیم در سه دهه گذشته و حتی در زمان خبیثی، بی‌سابقه است. اکنون با یک رژیم تک پا و به کلی معیوب و معلول مواجهیم. آن قدر که فریاد اتحادیه اروپا هم بلند شده و بر بام جهان گواهی می‌دهد که «این انتخابات نه آزاد بود و نه عادلانه».

تا بداند مسلم و گیسر و پهسود
کانتدر این صندوق جز لعنت نبود

در بعضی قسمتهای تهران هفت برابر شده است. رفسنجانی «مسأله تورم و گرانی را اینک مسأله بسیار جدی» در داخل کشور می‌داند (تلویزیون رژیم - ۳۰ آذر ۸۶).

احمدی‌نژاد از یک ارسوب ۱۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومانی یک پول در بازار، در پایان مهرماه شکوه سر می‌دهد اما اقتصاددانان رژیم طرحهای اقتصادی «سنووری» و «ضرب‌الاجلی» پاسدار احمدی‌نژاد از قبیل «بنگاههای روزیاد» و «سهام عدالت» را «تقسیم صدقه‌گونه درآمدها، و اینخش هلیکوپتری درآمده» می‌دانند. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (سازمان برنامه و بودجه سابق) و شورای پول و اعتبار و سازمان حسابرسی ملی منحل شده و بانک مرکزی از وظائف خود ساقط گردیده است. در واقع سازمان آمار دارندگنده اقتصاد کشور در حال ریزش و فروپاشی است. این در کشوری است که رئیس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آن اعلام کرد که «ارزش نفت و گاز استحصالی شده در کشور در سال ۸۶ براساس میانگین ۵۷۵ دلار برای هر بشکه نفت، ۴۰ میلیارد دلار در مورد (سناری) نامه به احمدی‌نژاد ۳۰ آذر ۸۶).

دومین رئیس سازمان برنامه و بودجه در زمان خبیثی، چند هفته پیش گفت درآمدهای نفتی ایران در ۸۶ سال گذشته ۸۰۰ میلیارد دلار بوده ولی «منی‌دالین» مقدار از آن درآمد، در کجاها هزینه شده است» (اعتز سبحانی ۱۳ اسفند۸۶).

در تیر ماه تیریزون می‌ی‌ان آن از یک نظرسنجی پنهانی توسط یک گروه فرانسوی آمریکایی در ایران خبر داد که «اولین نظرسنجی عمومی است که از زمان ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد به عمل آمده است». طبق این نظرسنجی ۹۹ درصد مردم ایران خواستار یک سیستم دموکراتیک هستند (سازمان آسان ۲۵ تیر ۸۶).

سلام و تبریک، برای بیست و هفتمین بهار سرخ‌قام و سرسبز مقاومت، برای بهار بیروز استادگان و ایات صبر و ظفر در اشرف، و برای گل دادن رزم و رنج شهیدان و فروغهای جاویدان در سراسر ایران،

در کناکس سهگیل و آشنی‌ناپذیر مردم و مقاومت ایران با بربریت آخوندی در سال ۱۳۸۶، سه حقیقت بیش از هر زمان روشن و ثابت شد: اول- اوج آمادگی و جوش شرایط عینی برای تغییر و برای خیز برداشتن انقلاب دموکراتیک مردم ایران دوم- مرحله ریزش و سرنگونی، محصول منجمد تکپاگی و انقباض درمان‌ناپذیر رژیم ولایت‌فقیه سوم- این که رژیم آخوندی هماروزی جز مجاهدین خلق ایران و جایگزینی جز شورای ملی مقاومت ایران نمی‌یابد و با تمام توان و با شدت و حدیث جون‌آمیز در پی نابود کردن آن‌هاست.

اما هم‌چنان که رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت هنگام تحویل سال گفت: «سال ۸۶ برای مقاومت، سال اعتلا و سرفرازی و برای رژیم آخوندی، سال ریزش و سراسیمه بود» و رژیم «از ۶ جهت در برابر تغییرات جدی و تحولات کیفی قرار گرفت».

اکنون سال ۱۳۸۷ را پیش رو داریم که در نبرد با نظام مستبد، سالی تعیین‌کننده است. سرنگونی فاشیسم مذهبی، حق مسلم مردم ایران است.

قسمت اول شرایط عینی

آمدگی و جوش شرایط عینی، در اوج بیان‌ناپذیر اعتراض به وضع موجود و حرکات خودانگیز به هادبا شده اجتماعی و در گسترده‌ترین تحریم سیاسی انتخابات رژیم بارز شده اعلام در ملاحظه دست و پا برنده، نظیر امیز فشنانسی و انواع و اقسام پیشها و پاسداران محسوس و نامحسوس، پاسخ آخوندی به عصیان عظیم اجتماعی است.

در مهرماه ۸۶ سرکرده جدید سپاه پاسداران ارتجاع، استراتژی جدید سپاه را در ترکیب با هیچ ضد مردمی مقابله با تهدیدهای داخلی اعلام کرد تا بتواند در برابر تهدیدات سیاسی اجتماعی امنیتی دشمنان، به درستی وارد عمل شود. پاسدار جعفری گفت: «بنا به تشخیص رهبر جمهوری اسلامی، استراتژی سپاه با گذشتہ فرق کرده، بدین ترتیب که مأموریت اصلی سپاه در حال حاضر مقابله با تهدیدهای داخلی است و سپس در تقویت تهدید نظامی خارجی، سپاه به کمک ارتش خواهد شتافت» (ای بی‌سی ۷ بهر ۸۶).

وی توانمندی سپاه را در مقابله با دشمن در تان «موشکی» و «اطلاعات» خلاصه کرد و جنگ ۳۳ روزه لبنان را «یک نمونه راهبردی برای مقابله با دشمن» خواند و افزود: «مأموریت اصلی سپاه در شرایط کنونی توجه به مأموریت‌های بسیج است و مأموریت بسیج با توجه به فرامین فرمانده معطل خواهد بود» (ای بی‌سی ۷ بهر ۸۶).

پراختن به این مأموریت نیز فراهم شود.

از این رو دستور العمل و شعار سرکرده جدید سپاه، که هم‌زمان فرماندهی بسیج آخوندی را هم بر عهده گرفته این است که: «تا سپاه بسیج نشود، بسیج بسیج نشود» (رسانه‌های رژیم ۹ آذر ۸۶).

سرکرده سپاه آخوندها در مسان هم با صراحت گفت: «احتمال عملیات ضربتی توسط آمریکا علیه جمهوری اسلامی وجود دارد اما تهدیدات داخلی از هر گونه تهدید برای کشور خطرناکتر است» (خبرگزاری رژیم ۱۳ آبان ۸۶).

به‌خاطر همین «تهدیدات داخلی» یعنی تهدید دائمی دیکتاتوری آخوندی از سوی مردم ایران است که سرکرده نیروی انتظامی رژیم در ابتدای

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

پیام به جوانان و نیروهای انقلاب دموکراتیک مردم ایران

بقیه از صفحه ۳

شیخ حارث الضاری، رئیس هیأت علمای مسلمین عراق، اخیراً در قاهره گفت: «مجاهدین خلق میهمانان عزیز مردم عراق هستند. آنان مرتکب هیچ عملی که به مردم عراق آزاری برساند نشده‌اند. علاوه بر این از حمایت سازمان ملل و قطعنامه‌های جامعه بین‌المللی و کنوانسیونهای ژنو برخوردارند که برای آنها حفاظت بین‌المللی تأمین کرده و آنها را پانده‌گان قانونی محسوب می‌کند» (خبرگزاری عراق ۲۷ اسفند ۸۶).

از این پیشتر، دیگر رهبران شیعه و سنی عراقی نیز به موقعیت حقوقی و مشخصات سیاسی مجاهدین در ارتباط با مردم عراق گواهی داده بودند. امروز به یقین می‌توان گفت که هیچ کس و مطلقاً هیچ کس جز رژیم و همدستان و عوامل آن در هیچ خواهان اخراج مجاهدین نیست و رژیم در این خصوص سر خود را به سنگ می‌کوبد.

همچنان که مردم و نیروهای دموکراتیک و مینهن پرست عراقی و عناصر و صدها هزار تن از شیعیان جنوب با اهالی دیالی در پیاده‌های خود اعلام کرده‌اند، سیارانه کسانی که مجاهدین را داخل ایستادگی در برابر تعرض رژیم ایران می‌دانند.

راصل در عراق خلق بد از رژیم ایران و راصل در ایران تغییر و سرنوشتی این رژیم است.

آنکوه جلال صغیر، امام جمعه خبثینی صفت مسجد برائا، به روشنی گفته است: «آن چه باعث شد که ما موضع تنیدی در قبال سازمان تروریستی مجاهدین خلق بگیریم موضع این سازمان در قبال جمهوری اسلامی بود» (تلویزیون العراقی۲۷ فروردین ۸۷).

لازمیاتی در مقام دبیر شورای عالی امنیت رژیم، درمورد کسانی که از رژیم حرف‌شونی دارند چنین گفت: «ما از روند سیاسی حمایت می‌کنیم همیشه به کسانی که فکر می‌کردیم دوستان ما هستند و حرف‌شونی از ما دارند آنها را تشویق کردیم. مثلاً مجلسی اعلان حزب‌الدعوه، حزب‌الدعوه هر دو گروه گروه‌های مختلف مستقل همه اینهایی که از دوستان ما هستند...» (تلویزیون رژیم ۲۷ فروردین ۸۷).

رجیم صوفی می‌یادآوری کرد: «اما حتی از نیروهای عراق که به ایران آمده بودند سیاه پدر، از کسانی که اسیر شده بودند، تیپ اصرار درست کردیم. کدام کشور است که افسران عالی‌رتبه عراق را علیه خود به کار بگیرد؟» (کپهان مهر ۸۷).

از این نمونه‌ها می‌توان دریافت که چرا چنین رابطه و حتی لحن کلام نظام آخوندی در مورد عراق و دولت کنونی آن، سرپا از موضع ولایت و قیومت است. مقلدان بسیاری از روشنفکران و شخصیت‌های سیاسی و نیروهای ملی عراق به این نکته توجه کرده‌اند که فرهنگ و موشگبری و نحوه برخورد شماری از مقامات دولتی با مجاهدین چنان است که گویی نمایندگانی ولی‌فقیه در بغدادند!

در تیرماه گذشته پارلمان اروپا در قطعنامه خود در باره عراق به اتفاق آرا مادهایی را به مجاهدین اختصاص داد و در آن قویاً، تهدیدهای اخراج و قطع مازروا و سوخت و آب آشامیدنی از سوی برخی مقامات ارشد دولت عراق علیه اعضای اپوزیسیون ایران را که بیش از ۲۰۰ سال در این کشور پانده‌ها سیاسی بوده‌اند و از موقعیت قانونی افراد حفاظت‌شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو برخوردارند مردود اعلام کرده. این قطعنامه همچنین «از دولت عراق می‌خواهد که به حقوق اعضای اپوزیسیون ایران طبق قوانین بین‌المللی، احترام بگذارد» (پارلمان اروپا قطعنامه ۲۷ فروردین ۲۰۰۷).

اکنون به یقین می‌توان گفت که در وادی سیاست هر خصومت و ضدیتی با مجاهدین در عراق بدون استثنا از جانب رژیم است. رژیمی که به جد

هم‌چون روزگار جنگ ضدیهی، مجاهدین و مقاومت ایران را مانع جنگ‌افروزی و سلطه خود می‌یابد.

دخالتهای و جانپناه و خط کار رژیم در عراق امروز بر کسی پوشیده نیست و عالمگیر شده است. اما این مقاومت ایران و رئیس‌جمهور برگزیده‌اش بود که از همان سال ۸۲ - که کسی را پاریس سخن گفتن نبود، پرچم ایستادگی و افتخاری این جانپناه را برافراشت، خطر بلعیدن عراق از سوی آخوندها را صدبار از خطر امنی بیشتر دانست و بر سرقت پیش از ۲۰ میلیارد دلار نقد عراق از سوی رژیم آخوندی در جنوب این کشور انگشت گذاشت. شکیجه‌گاههای محفی را نخستین بار مجاهدین در جریان ریودن دو تن از اعضایشان توسط ایادی رژیم در وزارت کشور عراق بر ملا کردند.

دبیر کل شورای گفتگوی ملی عراق گفته است: «ما در عراق شاهد شکیجه‌هایی هستیم که تا به حال نه در خواب و نه در بیداری ندیده و نشنیده بودیم! اعمالی که تاریخ به یاد ندارد در هیچ کشوری غیر از عراق به وقوع پیوسته باشد. او در مصاحبه با یک روزنامه اردنی نامگذاری تروریستی و تحریم همه جانیه سپاه پاسداران و نیروی قدس را یک سبلی به رژیم ایران و نیروهای تروریستی وابسته به آن دانست و آن به‌عنوان گامی در جهت کوتاه‌کردن دست این نیروها در جانیانشان در ایران و

قسمت هفتم اشرف

و من می‌گویم، پس از عبور با کازانه مجاهدین از دریای رزم و زنج سلاکه که آزمایش معجزه‌آسای زمان ماست: تا نسوزد بر تپه‌سایه عبود پخته دانه گل‌سرخ با خام نیست

بله اشرف با مریم و تقلاش پیروز شد. بدون انقلاب ایدئولوژیک، امروز از مجاهدین و اشرف نشانی نبود و خمینی در گور فقیه می‌زد. خوشا آنان که با گذشتن از همه چیز سخنان با کترین شهر جهان و آیت میر جمیل و ظفر اهزازی نگاهشده. خوشا سخنان با کترین شهر جهان و آیت میر جمیل و ظفر حسینی و خوشا آنان که در این سال با مریم با در کنار و در جوار او پایبندی کردند تا سبیل آزادی و امانت بهاران ایران به سرزمین مقصود برسد.

سخن گفتن از سرداران و سالاران اشرف همچون مژگان پارسی و صدیقه حسینی و دیگر خواهران و برادرانشان و هم‌چنین سخن از شاصصهای دوران پایبندی را به زمانی دیگر وامی‌گذارم. تنها از یک مجاهد صدیق فروخته می‌گویم و درمی‌گذارم. به صد دفتر نشاید گفت شرح حال سنتی ۱۰۰۰ مجاهد صدیق نظام طهماسبی، مهندس رجسته تکنولوژی فضای آمریکا بود که از سال ۷۲ هجری جز برای تیر در راه آزادی خلق و مینهن در طبق اخلاص گذاشته و به ارتش آزادی پیوسته بود. نظام پس از تیردی طولانی با پیاداری کارایی سرانجام در شب ۳۰ تیر ۸۵ درگذشت. در روزگار پیشین که در آمریکا به کار می‌بود به لحاظ قانونی اقامت، شهروند همان جا شده بود. از این دو مسئولیت پیوسته او اصرار می‌کردند برای معالجه به آمریکا بود. اما او هرپار آنها را دست به‌سر می‌کرد. تا روزی که از اصرارها بی‌فروخته شد و گفت: دیگر از این موضوع با من صحبت نکنید. در این دوران به هر قیمت می‌خواهم در اشرف بممانم و به عهدم وفا کنم...

سلام بر او در روزی که زاده شد در روزی که به مجاهدین و ارتش آزادی پیوست. در روزی که به مرتب صدق رسید و رسنگار شد. صداقت به معنی بی‌گناهی و پاکیزگی و عدم تناقض، مرتبت و سقنی بالاتر از شهادت است. شهادت راهم منتقله در خود دارد.

مَنْ لَمْ يَتَّقِ رِجَالَ مَشَاؤَنَا مَا عَدَلُوا اللَّهُ عَلَيْهِ فَبِهِمْ مَنْ فَضَى نَجْمُهُ وَبِهِمْ مَنْ يَنْظُرُ وَنَا بَدَلًا لِيَدْبِلَا

چنین بود که مجاهدین و مقاومت ایران در تمامیت خود بر عهدشان برای آزادی و حاکمیت مردم ایران پای فشردند. مغلوب تعادل قوا و دود و دم دشمن ضدبشر نشدند. با سوزن کوه کنگدند، همه چیز را از نو ساختند و تعادلی دیگر آفریدند. سوگند می‌خورم که جز نیروی عقیده و ایمان که با انقلاب مریم در یکایک مجاهدان، استوار و ریشه‌دار شده بود، و به‌جز همت هواداران و هموطنان و پشتیبانان مقاومت ایران، هیچ نیرو و جریان، و هیچ قدرت و دولت دیگری، کمک نکرد. به خدا و خلق قهرمان تکیه داشتیم و پس، اما آنها و خونپناه را باقیم.

بهاران سرسبز مقاومت و نوروزی، این چنین فرامی‌رسد. سعادت ملت ایران، این چنین تقسیم می‌شود. نوروز پیروز آزادی بر همه موع و راهبندگاه غلبه می‌کند. هیچ‌کس نمی‌تواند بهار را از آمدن، باز دارد.

تحولات همه‌جانبه‌ساله که گذشت، نویسیخ دستاوردهای بیشتر در سال‌نیمین گذشته است که پیش و درامیم. فرزندان رشید ایران در هر کجا که هستند، باید با هوشتاری و مسئولیت‌پذیری و کار و تلاش مضاعف بهای آن را بپردازند. زمان برخاستن است. این خود ما هستیم که آینده را تعیین و ترسیم می‌کنیم. صدای دردم‌شکن زنجیرهای استبداد مذهبی به گوش می‌رسد. ایران آزاد می‌شود.

سلام بر خلق - سلام بر آزادی مسعود رجوی فروردین ۱۳۸۷

اشرف در سال ۸۶ با هم میدان فشرده‌ترین رویارویی و صحنه جدبترین نبرد استراتژیکی بین مقاومت ایران و فاشسیم دینی بود. در تمام سال و در تمام ایام، حتی بدون گسست یک روز، رژیم آخوندی جنگ انداخته بود تا مجاهدین را جاکن کند. با از غراب و تهدید و انفجار. با قطع ازراق و سوخت و دارو و آب و برق. با به خدمت گرفتن مجریه و مقننه و قضاییه عراق و نه‌خودی، از طریق دست‌نشاندهگان دائمی یا موابج‌بگیران موسمی. با گله‌های مزدوران اعزامی. با جنگ مستمر روانی. با کثیفترین ترندها و دروغ‌پردازی. با بمبگذاری بر سر راه کارگران و کشتار یاوران. با رادیوهای فارسی زبان. با دعوت‌های پیوسته از مقامات و شخصیتها و شیوخ و شهروندان عراقی به مشهد و تهران برای برانگیختن آنان علیه مجاهدین. با سرکوبیدن خانوادها و متوسین به گروگان گرفته‌شان در شهرها و مناطق مختلف میهمان و حتی با شکستن سنگ مرز یکایک مجاهدان در کر بلا...

مناطق مختلف میهمان و حتی با شکستن سنگ مرز یکایک مجاهدان در کر بلا... مجاهدین و مقاومت ایران در تمامیت خود بر عهدشان برای آزادی و حاکمیت مردم ایران پای فشردند. مغلوب تعادل قوا و دود و دم دشمن ضدبشر نشدند. با سوزن کوه کنگدند، همه چیز را از نو ساختند و تعادلی دیگر آفریدند. سوگند می‌خورم که جز نیروی عقیده و ایمان که با انقلاب مریم در یکایک مجاهدان استوار و ریشه‌دار شده بود، و به‌جز همت هواداران و هموطنان و پشتیبانان مقاومت ایران، هیچ نیرو و جریان، و هیچ قدرت و دولت دیگری، کمک نکرد. به خدا و خلق قهرمان تکیه داشتیم و پس، اما آنها و خونپناه را باقیم.

بهاران سر سبز مقاومت و نوروزی، این چنین فرامی‌رسد

عراق استقبال کرد. وی افزود نیروی قدس جایات زیادی در حق مردم ایران انجام داده و دست به کارهایی زده که حتی از بیان آنها عرق شرم بر پیشانی انسان می‌نشیند و همین اعمال را در عراق هم تکرار می‌کنند» (العرب الیوم ۱۱ آبان ۸۶).

به یقین، اکثریت عظیم مردم عراق و عموم نیروهای آزادیخواه و مینهن پرست عراقی، مجاهدین و مقاومت ایران را متحد و شریک استراتژیکی خود تلقی می‌کنند. رژیم ولایت‌فقیه مشکل و تضاد اصلی و کانون صدور ارتجاع و تروریسم در این منطقه از جهان است. اما رژیم به این سادگی دست‌بردار نیست زیرا به گفته خودش: «برونده ایران نه

یای میز مذاکره بلکه در خیابانهای بیروت و بغداد حل می‌شود» (کپهان ۲۷ فروردین ۸۷).

